

## جمعی از فعالان صنفی خواستار شکسته شدن اعتصاب غذای زندانیان رجایی شهر شدند



خبرگزاری هرانا - جمعی از فعالان تشکل‌های صنفی کشور (کانون‌ها و انجمن‌های صنفی) با انتشار نامه‌ای سرگشاده ضمن حمایت از اعتصاب غذای جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجایی شهر عموماً و رسول بداقی، معلم زندانی خصوصاً، خواستار شکست این اعتصاب غذا به علت حفظ سلامت جسمی و روحی ایشان شده‌اند.

در بخشی از این نامه آمده است: "هر گونه صدمه‌ای که بر جسم و روح شما وارد شود مضافاً بر اینکه باعث فشار و نگرانی بیشتر خانواده و دوستان شما خواهد شد بدون تردید باعث صدمه بر کشور و ملت نیز می‌باشد چرا که کشور و ملت ما بابت از دست دادن صدها و هزاران نفر از عزیزترین فرزندان‌ش چه در دو سال اخیر و بعد از کودتای انتخاباتی و چه قبل از آن و خصوصاً در دهه ۶۰ متحمل خسران و صدمات فراوانی شده است و دیگر تحمل از دست دادن فرزندان برومندش را ندارد."

متن کامل نامه مذکور را که در اختیار ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران "هرانا" قرار گرفته است؛ در زیر می‌خوانید:

به نام خالق هستی بخش

نامه جمعی از فعالان تشکل‌های صنفی کشور (کانون‌ها و انجمن‌های صنفی) به زندانیان اعتصاب کننده به ویژه همکار عزیزمان آقای رسول بداقی.

عزیزان و مبارزان راه آزادی و عدالت ما معلمان و فعالان صنفی و فرهنگی در سراسر کشور ضمن ستایش و ارج نهادن به روحیه بالای ظلم ستیزی و آزادیخواهی شما و ارزش و احترام وافر که برای شما آزادگان آزادی خواه قائلیم و ضمن حمایت بی‌چون وچرا از خواسته‌های به حق و انسانی و متعالی همه شما عزیزان، نگرانی شدید خود را از ادامه اعتصاب غذای شما عزیزان اعلام می‌داریم و از شما عزیزان و آزادگان جهل ستیز که به حق مایه مباهات، افتخار، سربلندی و عزت همه مردم ایران هستید مصرانه می‌خواهیم که برای جلوگیری از صدمات جسمی و روحی بیشتر به اعتصاب غذا پتان پایان دهید.

بدون شک و تردید شما از هر طیف و قشری که باشید، دانشجو، فعال کارگری، روزنامه نگار، معلم، فعال سیاسی و مدنی و دارای هرگونه عقیده‌ای که باشید نزد ملت ایران و آزادیخواهان دارای ارج و احترام فراوانی هستید و کشور و ملت به ویژه آزادی خواهان و وجدان‌های بیدار هیچ وقت مجاهدت‌های شما را فراموش نخواهند کرد و بدون تردید و به حق شما سرمایه‌های انسانی و ملی کشور هستید، بنابراین ما فعالان فرهنگی و اعضای تشکل‌های صنفی معلمان کشور از شما می‌خواهیم که برای حفظ سلامتی خود به اعتصاب غذا پتان پایان دهید چرا که شما امید ملت و چراغ آینده کشور هستید و جامعه بعد از این دوره گذار سخت و دشوار و روزهای سیاه که ظلم، جور، جهل و جنایت بر کشور حاکم شده است سخت نیازمند تجارب و عزم شما برای پیشبرد کشور می‌باشد و در واقع امر، هر گونه صدمه‌ای که بر جسم و روح شما وارد شود مضافاً بر اینکه باعث فشار و نگرانی بیشتر خانواده و دوستان شما خواهد شد بدون تردید باعث صدمه بر کشور و ملت نیز می‌باشد چرا که کشور و ملت ما بابت از دست دادن صدها و هزاران نفر از عزیزترین فرزندان‌ش چه در دو سال اخیر و بعد از کودتای انتخاباتی و چه قبل از آن و خصوصاً در دهه ۶۰ متحمل خسران و صدمات فراوانی شده است و دیگر تحمل از دست دادن فرزندان برومندش را ندارد.

عزیزان دربند شک نکنید که شما صفحات زنده تاریخ این مرز و بوم هستید که در آینده و بعد از وزیدن نسیم آزادی بر فراز میهن ازهر آنچه غدر و ظلم بر فرزندان و عزیزانمان رفته و شما به عنوان شاهدان زنده در سینه‌های خود جا داده‌اید باید به فرزندان و نوه‌های آینده این سرزمین درس تاریخ را زنده زنده آموزش دهید تا آیندگان بفهمند و بدانند و خفتگان امروز و آنهایی که خود را به خواب خرگوشی زده‌اند و به راحتی از کنار این همه جنایت و ظلم می‌گذرند متوجه شوند که درسیه چال‌ها، انفرادی‌ها و شکنجه‌گاه‌ها چه بر سر فرزندان ایران رفته است، شما هستید که از هر آنچه در زندانهای وکیل آباد مشهود، دیزل آباد کرمانشاه، اوین تهران، زندان مرکزی سنندج، عادل آباد شیراز، زندان زاهدان، زندان مرکزی ارومیه، کارون اهواز، زندان مخوف رجایی شهر (گوهردشت) کرج، هتل کهریزک! و دیگر زندان‌ها و بازداشتگاه‌های شناخته شده و ناشناخته کشور خبر دارید و باید به فرزندان آینده درس حقوق بشر و انسان دوستی را آموزش دهید و به آن‌ها بگویید و آموزش دهید که چگونه بعد از وزیدن نسیم آزادی این سیه چال‌ها باید به موزه تاریخ بدل شوند تا مایه شرمساری حاکمان مستبد و برگهای زرین آزادیخواهی و عزت ملت باشند.

عزیزان عزیزتر از جان ماندگاری شما یعنی ماندگاری ملتی که آثار ضربات ناجوانمردانه مشت و لگد صورت و بدن او را کیود کرده است اما همچنان بایک وار با خون خود صورتش را سرخ نگه داشته تا در برابر دشمن ضعف نشان ندهد و سرتعظیم فرود نیاورد، ماندگاری شما یعنی ماندگاری فرهنگ و ادب کشوری یعنی ماندگاری حافظ، سعدی، مولوی و فردوسی، ماندگاری شما یعنی ماندگاری آرش و کاوه آهنگر و همه بزرگان این مرزوبوم، ماندگاری شما یعنی زنده نگه داشتن سند شکنجه‌ها، ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها یعنی زنده نگه داشتن فکر و اندیشه فرزاد کمانگرها، یاد محسن روح الامینی‌ها در کهریزک‌ها، یعنی یاد خون‌های ریخته ندها، سهراب‌ها، کیانوش آساها، صانع ژاله‌ها و صدها انسان بی‌گناه دیگر در کف خیابان‌های تهران و دیگر شهرها و در یک کلام ماندگاری شما یعنی ماندگاری همه مقاومت، ظلم ستیزی و عزت مردم ایران. بدون شک وجود نازنین و مقاوم رسول بدایقی‌ها، نسیرین ستوده‌ها، شیوانظر آهار‌ها، بهاره هدایت‌ها، مجید توکل‌ها، اسانلوا، کیوان صمیمی‌ها و مهدی محمودیان‌ها سند افتخار، عزت و آزادی خواهی ملت هستند، پس از شما می‌خواهیم که در این دوره گذار به آزادی که نه چشم بینایی هست و نه گوش شنوایی و نه وجدانی بیدار و ترس و واهمه دادرسی و دادخواهی وجود همه مسئولان و افرادی را که دستشان به خون آلوده شده را فراگرفته است بیش از این جسم خود را به مخاطره نیندازید چراکه شما سند عزت ملت و شاهدان دادگاه‌ها در آینده هستید.

و اما در پایان سخنی با همکار عزیز، نستوه، مقاوم و ظلم ستیزمان آقای رسول بدایقی که به حق نمادی است از انسانی بزرگ و معلمی نستوه:

رسول جان شک نکن که همه ملت و خصوصاً دانش آموزان و معلمان و فرهنگیان کشور هیچ‌گاه مجاهدت‌ها و ملالت‌های شما را در جهت بهبود و وضعیت آموزشی کشور و وضعیت معیشتی معلمان فراموش نخواهند کرد و نیک می‌دانند که شما چه روزهایی را در تلاش برای بهبود وضعیت معیشتی ما معلمان صرف نکردی و حالاً ناجوانمردانه تو را حبس کرده و اندک حقوق معلمی رانیز از خانواده گرامیت قطع کرده و حتی دفترچه بیمه خدمات درمانی خانواده‌ات را از آنها باز ستانده‌اند و جالب است که خود را مهرورز، عادل و معصوم نیز معرفی می‌کنند! رسول جان ملت زحمت، سختی‌ها و شکنجه‌های شما و فرزاد کمانگرها را چراغی فروزان در مسیر آینده آموزش و پرورش کشور می‌داند، بنابراین جامعه و کشور به شدت نیازمند تجارب و آگاهی شما می‌باشد پس به ما حق بده که نسبت به وضعیت جسمی و روحی شما و خانواده‌ات نگران باشیم.

رسول جان در پایان یک بار دیگر ضمن حمایت قاطع از خواسته‌های شما و دیگر عزیزان اعتصاب کننده خواهان آزادی شم عزیزان هستیم و از شما می‌خواهیم که به اعتصاب غذایان پایان دهید چراکه چشمان نگران شکبیا و ستایش همچنان و هر لحظه به در خانه است تا بلکه بابا رسول دوباره پا در منزل نهد و دو قلوهای نازش را دریغل گیرد و مثل هر پدری آن‌ها را بیوسد و نوازششان دهد، رسول جان شکبیا و ستایش هنوز و بعد از دو سال حبس شما که بابای عزیز و فداکار و عدالتخواه‌شان را ندیده‌اند با شنیدن هر صدای موتورسیکلتی همچون برق و باد خود را به دم در خانه می‌رسانند تا بابای عزیزشان را که تنها جرمش معلم بودن و میهن دوستی است را ببینند و بعد از یک روز تدریس و خستگی از او استقبال کنند و او نیز آن‌ها را بغل گیرد اما، اما و اما..... هر روز با چشمانی پر از اشک دروازه را می‌بندند و ناامیدانه و در روزگاری که مدعیان رأفت اسلامی و مهرورزی و معصومیت خود رابه خواب خرگوشی زده‌اند سر بر بالش می‌نهند و هر روز به امید دیدن بابا رسول از خواب بیدار می‌شوند، البته در این سرزمین امثال شکبیا و ستایش کم نیستند، هزاران چشم گریان بچه‌های نازنین این آب و خاک رو به

در خانه است تا بلکه پدر دوباره بازآید، هزاران زن منتظر شوهران اسیر در بند جهلند و ده‌ها مرد مقاوم منتظر زنان اسیرشان هستند، هزاران پدر و مادر منتظر آزادی عزیزان و جگر گوشه‌هایشان هستند و هزاران دانشجو منتظر بازگشت همکلاسی‌ها و هزاران استاد دانشگاه منتظر بازگشت دانشجویهایشان به کلاسهای درس هستند و هزاران گوش هر روز منتظر زنگ تلفن و شنیدن خبری خوش از عزیزان اسیرشان می‌باشد.

رسول جان ما سخت نگرانیم و از شما می‌خواهیم که در این روزها که وجدان‌های مسئولین کشور بسان کویری بی‌آب و گیاه می‌باشد و به غیر از تیغ و خارهای بیابانی چیز دیگری در آن نرویده است شما باید مواظب سلامتی خود باشید چرا که شما تنها به خودتان متعلق نیستید بلکه متعلق به خانواده و دیگر هم میهنانتان هستید.

به امید پایان هر چه زودتر شب جهل و شکنجه و دمیدن سحر انسانیت و آزادی و برابری ایران

جمعی از فعالان صنفی تشکل‌های معلمان ایران (کانون‌های صنفی معلمان ایران)